



# نوید رهائی

(رهائی کارگران، زحمتکشان و توده های انقلابی از گرانی، فقر، بیکاری، دیکتاتوری، ستم ملی، ستم مضاعف، و... در یک کلام، رهائی از نظام سرمایه داری)

هواداران سازمان وحدت کمونیستی

شماره ۶ - نیمه اول مهر ماه ۱۳۶۲

## سرمقاله

### پله پیشی!

کارگران، زحمتکشان، توده های انقلابی! همچنانکه در شماره های قبلی "نوید رهائی" پیش بین کرده بودیم، صدای اعتراض توده های بجان آمده ای که حاضر بیستند پیش از این ظلم و ستم رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را تحمل کنند، سازمان یافته است و روزی پیشی که از گوشه و کنار شهر، آهاری از مبارزه گلوش برسد. در این میان کمبود آب و برق و به هوازات آن، کمبود مقطعی نان، رمپه اعتراض را پیش از پیش وسعت بخشیده است. بگونه ای که سردمداران رژیم بواسطه هراس از خیزش توده ها، در مصاحبات و سخنرانی های گوناگون، هر یک دیگری را مسئول و مسبب مشکلات معرفی می کنند. گردانندگان سازمان آتشی می گردید که قطع برق موجب ارتقا دادن دستگاه های تصفیه و پمپاژ آب گشته است. اما وزیر نیرو، در مجلس ضد مردمی ادعای کند که وزارت نیرو نه فقط تمامی پروژه های معموله را بقیه در صفحه ۲

## ریشه گرانی و بیکاری در چیست

بیکاری و گرانی دو پدیده شوم خانمان برانداز، امروز در جامعه ما به شدیدترین شکل ممکن وجود دارد این دو پدیده شوم جز صیه روزی برای آنها نیست که تنها سرما به اتمان بی روی کسار است و نیز کسانیکه جر حقوقی ثابت، چپرد بگری را دارا میباشند، ره آوردی به همراه بد داشته است

بیکاری و گرانی سبب روراست؛ در کوهیه و نارار و قتیکه نامردم بر حورری کنیم، همگی شکایت ارایس دو پدیده شوم می کنند، گاهی می شنویم که می گویند این همه مشکلات بساطت نا سیاسی به درگاه خداوند متعال می باشد و آنرا بلا یا آسمانی قلمداد می کنند و فریاد بر می آورند، مگر گناه ما چیست که قادر نیستیم حتی یک وعده عدای گرم برای قوت رورانه در ردا اتمان تهیه کنیم

صداهای دیگر اینگونه سخن می گویند. "آقا، ما بیکاریم، برای ما مشکل و سختی کار مهم نیست، هرکاری باشد با هر دستمرد ها مریم انتظام دهیم، آنچه رن و بچه های ما غدا او کفش و لباس میخواستند، خراستور بی بودیم"

بقیه در صفحه ۳

## سنگر مدارس را فعال کنیم

دانش آموزان آنگاه و مبارر! سال تحصیلی جدید را در شرایطی آغاز کرده ایم که جان همه توده های این مرز و بوم و منجمله شما جوانان دانش آموزان سرکوب و ستم جمهوری اسلامی، این نظام حلی سرمایه داران و دشمن زحمتکشان، به لب آمده است امروز شمارر شرایطی سرکلا سهای درس حاضر می شوید که بسیاری از وسننان و بقیه در صفحه ۱۱

### در صفحات دیگر:

- خلاصه ای از اعلامیه سازمان وحدت کمونیستی ص ۷
- کمونیست ها چه می گویند؟ - قسمت چهارم ص ۵
- ادبیات مقاومت ص ۹
- اخباری از جنبش ص ۱۲

# سرنوشت بان رژیم جمهوری اسلامی!

#### ادامه سرمقاله

بطور کامل به پایان رسیده ، بلکه در این زمینه اضافه کاری هم داشته است ! از سوی دیگر جمعی از نمایندگان "مجلس در ادامه تعارضات و کشمکش های درون رژیم ، ضمن نامه ای به رئیسجانبی تلاش می کنند ناطق قوری وزیر کشور را به استیضاح بکشند و همچنین میز آنقدر این دست و آن دست می کند که نهایتاً با آغاز تعطیلات سالانه مجلس ، قمیبه برای مدتی به تعویق می افتد. قبل از تعطیل شدن مجلس ، روزی نبود که گروهی از مدعیان شارلاتان نمایندگی مردم ، یکی از وزرای دولت چپا و لنگر را برای ادای پاسخ به مجلس نکشاند .

به موازات همه این فعل و انفعالات ، تضادهای باندهای مختلف رژیم باردیگر اوج گرفته اند . بطوریکه نخست وزیر خائنین محبوری شود با قبول استعفا ی ۲ وزیر و کوشش جهت تقویض ۳ وزیر دیگر ، کابینه را ترمیم کند ، لکن مجلس ضد مردمی از ادان رای اعتماد به ۳ وزیر پیشنهادی وی خود داری می ورزد . از دیگر سو ه جریان ارتجاعی - ضد انقلابی موسوم به انجمن حجتیه نیز با انتشار اعلامیه معنی داری ، تلویحاً برای بانداً ضد انقلابی و مرتجع خط امام تخاصم می کشد و روحانیون و علمداران آن در شهرهای مختلف با اراذل و اوباش با نفوذ قریب به زدو خورد و فحاشی می پردازد . در زبان کلام ، "بالائی ها" را بحران تمام معیار و حاد فراق گرفته است و مفهوم این بحران هنگامی روشنتر می گردد که در نظر بگیریم حملات اخیر رژیم در جنگ ناماد لانه کنونی ، نتوانسته است نتایج مطلوب سردمداران رژیم را تأمین کند و علی الظاهر ، تا تکلیف فرمائی کردن پیروهای وسیع برای حصول به پیشروی ، به بن بست رسیده است . ( گرچه بی شک در آینده نزدیک با رهم شاهد حملات جدیدی به همین موال خواهدیم بود ) آری ، سرمایای رژیم سرمایه داران را بحران فرا گرفته است و گردانندگان رژیم در انبوهی از مشکلات عرقه گردیده اند . اما این بحران ، بخودی خود بوجود نیامده است و به همان ترتیب ، بطور خود بخودی نیز رفع نخواهد شد . این بحران ، ما ز ناب و تا نبر مبارزه کارگران قهرمانی است که از چندین ماه پیش تا کنون با اعتمادات خود ، هراسی ژرف در دل مزدوران رژیم افکنده اند ؟ این بحران انکسار تظاهرات و مبارزه رهنمگان ساکن جنوب تهران و نیز اهالی زحمتکش برخی شهرهای دیگر است که در مقابل کمبود آب و برقی ، لب به اعتراض آشکار و جدی گشوده اند . در یک کلام این بحران ، نشأت گرفته از جنبش شما کارگران ، زحمتکشان و نوده های انقلابی است .

#### کارگران ، زحمتکشان ، نوده های انقلابی !

اینکه که با و دیگر جستم افکار روشنتی از اعتلای جنبش رادر بین روی داریم ، لازم است با درسی گیری از انتقادات گذشته ، راه تکرار مصیبتها را سد کنیم و راه رهائی قطعی را بشناسیم . بیاد آورید که چگونه در اواخر سال ۵۶ ، ناگهان دایره دستنه خمینی بر سر راه جنبش نوظفده نوده های مستعدیده این مهمن ظا هر شدند و به چه ترتیب با وعده های پوچ و میان نمی مدعی ارائه بدیل دیکراتیک و مردمی در برابر رژیم سلطنتی گردیدند در آن هنگام ، برخی از کمویستهای با فراست ایران که بخوبی از ماهیت دایره دستنه خمینی و اراذل و اوباشی که آبروان وی را همراهی می کردند ( افعال قطب راده ، بنی صدر ، پردی ، ) آگاه بودند ، کرشیدند حقیقت را به نوده ها بگویند و دست این انقلاب دزدان خادم سرمایه داری را رو کنند . اکنون نیز ما مارکسیست - لنینیست ها به حکم وظیفه انقلابی که در قبال طبقه کارگر بالاخص و زحمتکشان و نوده های انقلابی بطور اعم داریم ، لازم به تأکید چندین باره می بینیم که مشکلات و مصائبی که جان شمارا به لب رسانده است ، ناشی از "جاشفت" این یا آن سردمدار رژیم و یا جسدی شخص خمینی ، در رژیم نیست . مشکلات ماه اعم از گران ، بیکاری ، بی خانمانی ، ستم ملی ، ستم مضاعف ، فقدان آزادی و ... از نظام سرمایه داری منشاء می گیرد و تنها با نابودی این نظام ، رفع شدی است . عبارت دیگر ، اگر قرار باشد رژیم جمهوری اسلامی سرنگون شود و یک رژیم دیگر با هر عنوان و نام جایگزین آن شود و در جهت حفظ سرمایه داری تلاش کند ، باز هم در درازمدت آزادیهای کمربند خواهد شد ، باز هم گران کم کارگران را خواهد شکست ، باز هم بیکاری گریبا نگیرمان خواهد بود ، باز هم ستم مضاعف بر برلمان کارگر و زحمتکش روا خواهد شد و بالاخره باز هم جامعه ما ، جامعه ای طبقاتی خواهد بود که در آن پیروان داری در موضع قدرت و اکثریت قاطع افراد جامعه یعنی طبقه کارگر و زحمتکشان در موضع بردگان سرمایه خواهد بود .

در یک کلام ، اگر برامتی خواهان آنیم که جامعه ان عاری از هر گونه ستم داشته باشیم ، اگر می خواهیم همه افراد جامعه از رفاه مطلق برخوردار باشند ، اگر خواستار آنیم که نوره کارگران به حیب مشق استخارگر روانه نشود ، اگر در پی آنیم که دیکتاتوری بورژوازی از جامعه ما رخت بر بندد و آزادی به مفهوم واقعی آن نه برسید ، باید که بزیر پرچم طبقه کارگر گردانیم و مبارزه انقلابی و قهر آمیز خود را علیه تمامیت رژیم سرمایه داری و سرکوبگر حاکم جهت دهیم .

بقیه در صفحه ۶

# آب و برق ، برای زحمتکشان ، تا همین باید گردن

### ادامه مقاله "ریشه ها سه"

دولت مردان جمهوری اسلامی، این حافظان نظام سرمایه داری، یکرورد مخالف این خواستهای برحق رهنمکان و دیگر انتشار تحت فشار بیگانه پاسخ میدهند: "فعلا جنگ است، بیکاری، گزافی ناشی از همین "جنگ تحمیلی" است، کمی صبر داشته باشید تا جنگ خاتمه یابد." یا اینکه روزی دیگر خیال خودشان برای کاهش صحتی اردردها و اعتراضات هائیه ای رهنمکان، دست به جابجا کردن چند وزیر کابینه میزنند، تا اینگونه وانمود کنند که مسئله بیکاری و گزافی موجود در جامعه ما، بخاطر عدم برنامه ریزیهای صحیح "وزرای مزبور بوده و با کنارگذاشتن آنها بزودی خود بر تمامی مشکلات موجود غلبه خواهد شد. ولیکن باید به این یا سبانهای نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی گفت، که "آقایان محترم! اگرانی و بیکاری آنطور که شما می گویند و آنگونه که قصد بر طرف کردنش را دارید، چیزی جز زنده خود خرد کردن نیست. به خود را فریب دهید نه به حساب مردمان کلاه بر سر مردم بگذارید؟ ناراحتیهای موجود جامعه ما با عوص شدن چند وزیر کابینه و وعده پابان جنگ قابل حل نیست. این پدیده های شوم همگی ناشی از وجود مناسبات تولید سرمایه داری و اقتصاد وابسته ایران به کشورهای بحران زده امپریالیستی میباشد، مناسباتی که شما دارو دسته حکومت جمهوری اسلامی از روز نخست برای حفظ و نگهداری آن تمامی کوششهای خود را بکار بستید.

شما خود بخوبی آگاهید، مشکلات جامعه ایران ناشی از همین حاکمیت روابط تولید سرمایه داری و شکل وابسته اقتصاد ایران به جهان امپریالیستی میباشد و این واقعیت را هم کاملاً میدانید که شما هیچگاه قادر نخواهید بود مشکلات جاری را بر طرف کنید، چرا که حفظ مناسبات سرمایه داری و روابط اقتصادی با کشورهای بحران زده امپریالیستی، جزء برنامه های اصلی جمهوری اسلامی میباشد و تنها وسیله ای که شما یا براه انداختن و ادامه آن، خواهم "توانست" تا مدتی خواستهای برحق مردم رهنمکان را برپا نگذارد، جنگ است؛ جنگی که اگر سرود، ثروتهای هدر رفته شما طریقی را می توانستیم در راه آبا و اجدادین روستاها و راه اندازی مساجد بی جانان، بکار بیاوریم.

کوشش این مقاله بر آن پایه است که با بررسی ویژگیهای روابط تولیدی سرمایه داری و شکل وابسته اقتصاد ایران به سرمایه جهانی و ارتباط این مناسبات با واقعیت های اساسی جامعه ایران،

### علل واقعی گزافی و بیکاری را بشناسند.

هر شیوه تولیدی خاص، قلمروهای خاص خود را در بر میگیرد و تبادل و توزیع و مصرف همواره در آن، این قلمروها بطور خود مستقل نباشد و نمیتواند عمل کند، بلکه تولید خاص و قلمروهای دیگر آن در یک کلیت قرار می گیرند. شیوه همین تولید سرمایه داری شکل معین مبادله، توزیع و مصرف خود را دارا میباشد.

اصلاً سرمایه به هر شکل اش ارزشی است، در پی خود امرانی و خود فروبی؛ ارزشی است که با افزودن ارزش اضافی بر خود، از مقدار اولیه خود بیشتر و فزون تر میگردد.

در نظام سرمایه داری اساساً ارزش کار نلور یافته انسان کارگر میباشد، ارزش اضافی در روابط تولیدی سرمایه داری بخشی از ساعات کار روزانه انسان کارگر میباشد که متعلق به خودش نیست، بلکه صاحبان وسائل تولید و سرمایه بانصاحب این بخش از ساعات کار روزانه کارگران بر سرمایه اولیه خود می افزایند تا هر روز آنچنانکه بر ثروت خود می افزایند بر فقر و محرومیت کارگران صد چند ان بیشتر اند.

در نظام سرمایه داری بازار گسترده بخشی مهم در تقاضای این روابط تولیدی غیر انسانی ایفا میکند و در حقیقت مکانی است که محصولات تولید شده را که نه بر اساس نیازها و احتیاجات ضروری جامعه، بلکه بر اساس سود شخصی کارفرمایان تولید شده، جذب می کند.

کالای تولید شده بی رویه برای یک بازار، معظم در مرحله از مناسبات سرمایه داری وجود دارد و این بی رویه تولید کردن نتیجه ای جز تلمبار شدن انبوهی از کالاها در بازارهای بی مشتری و خریدار، حاصلی نخواهد داشت.

عدم فروش کالا های تولید شده در بازار عاملی است برای بی حرکت ماندن سرمایه که خود را در این حالت در انبوه کالاهای بی مشتری می بیند. با راندن سرمایه، دیگر شاهد فرایند و حرکت تولید نمی باشیم؛ کارخانه ها تعطیل میشوند، دستگاههای تولیدی خاموش میشوند تا در فرصتی دیگر آغاز کار کنند. تعطیلی کارخانه ها از برای کارگران حاصلی جز بیکاری، فقر و سرداری بهره ندارد.

حال احتمالاً دولت مردان جمهوری اسلامی خواهند گفت که ما تولیدی افزون تر از نیازهای بازار نداشته ایم و حتی بخشی از کارخانه های ما بخاطر نداشتن مواد اولیه ضروری مدت مدیدی است

تفصیل بوده، حال چه دلیل وجود دارد که کارخانه های ما تعطیل کارگران ما بیکار هستند.

به شما فریبندگان مردم عاوه اندیش اینگونه پاسخ می-  
دیم: اقتصاد ایران و بخش عمده صنایع ایران بخاطر شکل  
وابسته بودنش به دولتهای بیگانه زده امپریالیسم و باعث این  
نارساییهاست. چراکه قدرتهای بزرگ سرمایه داری و بیگانه های  
ناشی از روابط سرمایه داری در درون کشورها ایشان را در خود  
نگه میدارند، بلکه با انتقال این نارساییها به کشورهای تحت سلطه  
میبرکاستن این مشکلات سنگین بردوش خود را می کنند.

حال با بررسی یکی از مثال های ایران در نظام سرمایه داری بار  
دیگر به بازار باز می گردیم، تا شاهد باشیم که چگونه وجه چه برآیندی  
کارگران تنها سرمایه شان را که همان نیروی کار را مهافت و نفوذ  
می رسانند.

همانطور که گفتیم کارگران به بازار می آیند تا از فروش نمای سرمایه  
خود که نیروی کارشان می باشد در مقابل ارزش متادل وقت روزانه خود  
و خانواده ها ایشان دریافت کنند.

کارگران با فروش نیروی کار خود هستند فقر و ناداری و بیکاری خود  
و خانواده ها ایشان را امضاء می کنند و با امضای این سند به تولید  
در کارخانه های انسان گش سرمایه داران مشغول گار می شوند.

زمان کار کارگران در بنگاه های تولیدی سرمایه داری به دو  
بخش تقسیم می شود، بخشی از ساعات کار روزانه کارگران کسه  
معلق بفرود آنهاست، کار لازم تأمین می شود، ارزش زمان کار  
لازم همان میزان دستمزد است که کارگران از صاحبان کارخانه  
می گیرند، بخشی دیگر از ساعات کار روزانه کارگران بام کار اضافی  
مشغول می شود. مدت زمان کار اضافی برابر است با میزان ارزش اضافی  
فی که شرایط باز تولید روابط سرمایه داری را موجب می شود.

در روابط تولیدی سرمایه داری، کوشش سرمایه داران بر آن پایه  
است تا با کاستن زمان کار لازم و افزودن به مدت زمان کار اضافی،  
سهم بیشتری را در تفریح ثروت های تولید شده توسط کارگران، نصیب  
خود کنند. چنین طرز تفکری موجب می شود تا سرمایه داران تمام هم  
و کوشش خود را در جهت جانشین کردن تکنولوژی بجای کار رنده  
کارگران بکار بیاورند.

رود تکنولوژی پیشرفته در کارخانه ها، نه تنها امر تولید را سریعتر  
و زمان کار اضافی را افزایش می کند، بلکه تکنولوژی پیشرفته ما جا-  
نشین شدن بسای نیروی کار کارگران، و عامل دیگر است برای بیکاری  
و آوارگی کارگران، و ورود تکنولوژی پیشرفته یعنی شروع کاستن زمان

کار لازم کارگران با کاستن شدن زمان کار لازم کارگران، میزان دستمزد  
هم به همان نسبت سیر نزولی طی خواهد کرد، در عوض با امر دستمزد  
شدن زمان کار اضافی و با بالا رفتن میزان ارزش اضافی تروت بیشتر  
نصیب سرمایه داران خواهد شد.

سرمایه داران در فرآیند و حرکت این مناسبات تولیدی، کوشش  
می کنند تکنیک برتری را نسبت به رور گذشته وارد کارخانه ها کنند،  
تا بخاطر ورود این تکنیک برتر، تروت و رفاه برای خود، فقرونداری  
و بیکاری را برای کارگران موجب شود.

حال این دولتگردان و پانسانهای نظام سرمایه داری و وابستگی  
اقتصاد ایران به دول امپریالیست، چگونه قادر خواهد بود، بدون  
تغییر و دگرگونی در کل مناسبات اجتماعی جامعه، نه حل ایس  
مشکلات ببرد ازند.

بله، اندیشمندان عصر حرا نه بر سر خودشان برسد، نه در ان  
تاریخی مانند عسگر اولادی مسلمان و حساب و ربر کار مرمایان  
آقای توکلی را از انان خوردن بیادارند، چرا که هر حکومتی چه  
بنام اسلام و یا فاسی دیگر، قدرت سیاسی را بر ایران بدست نگیرد، و  
مخواهد این مناسبات و روابط را دست بخورده نافی نگذارد، دچار این  
مشکلات خواهد بود.

البته مشکلات موجود که ذاتی نظام سرمایه داری می باشد، تنها  
کارگران را به سیه روزی نمی نشاند، بلکه با آغار بحران در جامعه  
سرمایه داری و شروع بیکاری کارگران، میزان تولید هم سیر نزولی خود  
را طی خواهد کرد. در مواقع تقسیم ارزشها و کالاهای اندک تولید شده  
در جامعه، سهم کسانیکه نه در تولید نقش دارند و نه ایله صاحبان  
خانه اصلی امر را تولید و سرمایه هستند، نقصان خواهد گرفت.

در جامعه امروز ایران فقر و وسع کارمندان که میماند است  
ارزشهای تولید شده توسط کار کارگران، سهمی سرد، در شرایط  
نقصان تولید سهم اندکی خواهد برد، چرا که جامعه سرمایه دار،  
وابسته ایران با قوتفندیهای خاص خودش، تنها بیدگی کارگر  
را تهدید به نابودی نمی کند، بلکه بیدگی این فشر وسیع را هم  
معرض تهدید به نابودی ناشی از این روابط قرار میدهد.

اینکه که نارساییهای موجود را بر شمردیم سببیم، چشم انداز  
ما کمونیستها برای گریز از این ناسامایها چیست؟  
ما کمونیستها بر آن اعتقاد هستیم که برای گریز از این همه  
بی عدالتی و ناسامایی، راهی جز تغییر و دگرگونی در کل مناسبات  
اجتماعی سرمایه داری نمی تواند وجود داشته باشد. کمونیستها

# گمونیهستها چه می گویند؟



## نابودی برده داری و پیدایش فتودالیسم

هدف از تئوری سلسله مقالات "گمونیهستها چه می گویند" در "نوید رهسانی"، شناساندن ویژگیهای مناسبات تولید در جوامع مختلف بشری از آغاز تا کنون می باشد.

لازم بتذکر است که تمامی جوامع، آن سیر تکاملی را در مناسبات تولیدی که مادر این سلسله مقالات مغز آن گردیدیم، بنا به شرایط جغرافیایی و آب و هوایی خاص آن منطقه طی نکرده اند، بلکه یک نوع شیوه تولید نیز در برخی از مناطقی قاره آفریقا و آسیا هاکم بوده که در مقاله علم اقتصاد بنام شیوه تولید آسیایی خوانده میشود، که در فرمتهای آینده به چگونگی این شیوه تولید اشاره خواهیم کرد.

در مقالات گذشته را جمع به شیوه تولید برده داری سخن را میگویم و گفتیم: "با رشد تکنیکی ابزار کار و آغاز تقسیم کار اجتماعی و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید، شاهد تقسیم جامعه به طبقات برتر و زیر دست میباشیم. تقسیم جامعه به طبقات ضرورت تشکیل نهادهای سیاسی بنام دولت را موجب میشود. این نهاد سیاسی با درهم آمیختگی ما دیگر نهادهای حقوقی و ایدئولوژیکی، در جهت تأمین منافع طبقه برتر علیه طبقه ضرورت دست، گام بر میدارد."

اولین دولت بعد از تقسیم جامعه به طبقات، دولت برده داران میباشد، این دولت طبیعتاً در جهت منافع برده داران سیاستهای خود را تنظیم میکند. شیوه تولید برده داری، مانند هر شیوه تولید دیگر، اشکال مبادله، توزیع و مصرف خاص خود را به همراه دارد. در این شیوه تولید، برده داران نه تنها صاحبان نام الاختیار کلیه منابع اصلی تولید، اعم از زمین و ابزار کار و تمامی نیروی کار بردگان و همچنین منابع طبیعی ثروت در جامعه میباشند، بلکه سرپرست آینده تمامی بردگان در دست آنهاست. آنها تعیین می کنند که برده کجا زندگی کند، چه بخورد و چه بپوشد و چگونه تشکیل خانواده بدهد

و در آخر بخاطر اینکه برده را جزیره لاینفک از تروتوهای شمعیمی خود می دانند، قادر هستند برده را مانند تسینی در بازار بفروش برسانند تمامی نیروی کار بردگان در طول روز که خلق کننده تمامی ارزشها و تروتوهای موجود در جامعه میباشد، از آن برده داران است، تضامی که در توزیع این تروتوهای خلق شده به برده تعلق می گیرد، قوت روزانه او و خانواده اش میباشد

این شکل توزیع تروتوهای جامعه در این شیوه تولید، خوددینی است بر نقصان یا فقدان نیروی کار بردگان و مهمتر از آن دزدگری بردگان در امر تولید، یا مس و کاسته شدن نیروی کار بردگان باعث میشود که سطح تولید به پائین ترین مرحله خود برسد.

این عوامل، برده داران را برین فکر وامیدارد تا خاطر حفظ موجودیت نظام استشارگراانه، تفسیراتی در شکل توزیع تروتوهای خلق شده در جامعه بوجود آورند.

تفسیر در شکل توزیع، مبادله و مصرف تروتوهای موجود در جامعه دگرگونی شیوه تولید را نیز پیمراه دارد.

بدین سبب، برده داران برای حفظ و پایداری سیستم استبدادهای بردگان در جهت تولید هر چه بیشتر تروتوهای مندول، دیگر سعی در به انحصار گرفتن منابع اصلی تولید را در سر توتی بروراسد، بلکه در توزیع کنونی تروتوهای جامعه، بخش ناچیزی از این منابع تولید را در تحت تسلط برده دیروز و دهقان امروز قرار میدهد برده دار دیروز و فتودال امروز در کنار زمین، ابزار تولید و

دیگر "منابع طبیعی ثروت خویش"، زمین کوچک با ابتدایی ترین ابزار تولید در اختیار دهقان وابسته خود قرار میدهد تا دهقان در کنار این زمین کوچک، کلیه بی سقف خود را، طاق بکوبد و احساس "آزادی" باعث شود به شکل دیگر، برده وار، نیروی کار خود را به فتودال خون آشام بطور رایگان اهدا کند.

نظام فتودالیسم از آن جهت نسبت به نظام برده داری مترقی است که در جهت رشد نیروهای مولده گامهای سرپیشتری

**ادامه مقاله "کمونیستها"**

را بر مبد دارد، اما در شیوه تولید فنود الیسم روابط استخارگرا نه باوردهی شده بلکه شکل دیگری بخود میگیرد

در شیوه تولید فنود الیسم دهقان میبایست زمان کار روزانه خود را به دو بخش تقسیم کند. و بخش عمده ساعات کار روزانه خود را که تمام کار اضافی مشخص است، میبایست به امر تولید و کارهای ضروری ارباب خود که هیچ دستمزدی را برایش در بر ندارد بپردازد.

دهقان علاوه بر بیگاری در مزرعه ارباب، با بیستی محنتی از محصولات تولید شده در مزرعه خود را هم بعنوان منفی و ارمغان به بیستگاه ارباب عرضه کند.

در شیوه تولید فنود الیسم اگر چه هنوز روابط تولیدی بر اساس نیست، ولیکن به برده دیروز فرصت میدهد تا در کنار قطعه زمین کوچک خود، بدخواه خانهداری بنا کند، تشکیل خانوادگی دهد و همچنین به تولید محصولاتی صبارت و برد تا با رهایی او و خانوادهاش را برآورد کند.

اگر چه برده دیروز و دهقان امروز دیگر بدانند گذشته توسط ارباب خود در بار بار به معرفی فروش قرار می گیرند، تا ایصال پسند اطراف شکل توزیع منابع اصلی تولید در شیوه تولید فنود الیسم، هنوز او وابسته بزمینی است که ارباب به او امان داده کرده و بناچار بنده و سر فرمان او امر فنودال میباید.

اخذ بهره مالکانه از دهقان بشکل بیگاری و صورتی جنسی بر اساس نیازهای فنودال و خانوادها او انجام میگیرد.

در شیوه تولید فنود الیسم، فنودال و خانوادهاش "امتیازات اجنبی" را در شکم گنده و پر چربیتان می یابند ولیکن بار شد

و گسترش بارها و تولید کالاهای متنوع برای بازار و بخش پول عنوان میانجی و معیار سنجش ارزش نمایی کالاها، تولید در شیوه فنود الیسم هم دیگر تنها بر اساس نیازهای شخصی ما سواده فنودال انجام نمیگیرد، بلکه تولید در این نظام به مرحله بهره مالکانه بشکل پولی قدم می گذارد.

در مرحله مالکانه بشکل پولی، دهقان ناچار است تمام نیروی کار خود را که صرف تولیدات برای یک بازار نامعلوم می شود، بکار گیرد. دهقان در این مرحله تمامی محصولات تولید شده را به بازار آورده، در مقابل کسب مقادیری پول محصولات را مالدله میکند. پول حاصله تماماً به دهقان تعلق ندارد؛ او با بخشی از این پول نیازهای خانوادها خود و خرید مواد اولیه و اسرار کار را بر این رفته زنده می بیند و بخش اعظم پول را در اختیار فنودال قرار میدهد، تا فنودال را توصیف بتواند در بازار خریدی از نیازهای خود و خانوادهاش کالا تهیه کند.

آنچه که حقیقت تمامی نظامهای طبقاتیست، بهره کشی و استثمار زحمتکشان توسط صاحبان زور و ابزار تولید میباشند. بردگان با وجود اینکه توانمند نظام برده داری را واژگون کنند، ولیکن نتوانند به آزادی به معنای واقعی دست یابند. برده دیروز هنوز دهقان برده است که میبایست بخش اعظم نیروی کار خود را مصادراً در اختیار فنودال قرار دهد، تا فنودال بی عاری و تن پرور به زحمتی حیوانی خود ادامه دهد.

در شماره آینده "کمونیستها چه می گویند" کوشش خواهیم کرد با برطرف کردن ویژگیها و مخولان اقتصاد سرمایه داری، در جهت شکست دادن این نظام تولید گام برداریم.

### ادامه دادن شماره آینده: نظام سرمایه داری

**ادامه سوسمقاله**

تنها از این طریق است که عنوان مصائب کنونی را بطور ریشه ای علاج کرد و آن ناله تحت هر نام، راهی جز این را تبلیغ می کنند و مدعی آند که ممکن است عنوان جمهوری اصلا می را با صفتی جنسی و اعوان و انصارش، "دکراتیک" کرده آشکار کرده خدمت نو ترازی و سرمایه داری جهانی بسته اند.

کارگران آگاه! اعتصاب سلاح نیرومندی است که اگر طبقه کارگر آنرا ببلور آگاهانه در مصاف علیه سرمایه داری بکار گیرد و جنبش خودمعا با گامهای بلند به پیش خواهد رفت. در هر کارخانه و واحد تولیدی، با تشکیل محکمه های محقق مقاومت بکوشید تا از اعتصاب این سلاح کارای طبقه کارگر، در نمود علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به بهترین صورت جویند.

زحمتکشان! ثورمه های انقلابی! اقداماتی را قبیل امرایش گشتن های سرکوبگران دادستان ضد انقلاب، پاسداران سرمایه، پلیس ضد مردمی و اراذل و او باش کینه چینی مشا نگر هراس عمیق سرده داران رژیم از جنبش و حاکی از بی ثباتی و بی آیندی رژیم حاکم است. فریاد اعتراض خود را علیه این رژیم جنایتکار بلند کنید و در هر فرصت ممکن، تجمعات و تظاهرات اعتراضی را تشکیل دهید رژیم و مزدورانش، علیه رژیم همه تشبثات و ترفندها، در مقابل جنبش شما تاب مقاومت نخواهند داشت. به پیش! به پیش بسوی سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی! برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان، انقلابی دیگر بایاید زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم!

# پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

خلاصه‌ای از

# اعلامیه سازمان وحدت کمونیستی

پس از دو سال از هجوم مغول وار رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به آخوین بقایای آزادیهای اجتماعی میگردد، نه ماده دستاوردهای انقلاب ۱۳۵۷ و با زبات وسیع مردم علیه رژیم دیکتاتوری شاه، یعنی آزادیهای دموکراتیک سیم بند به دست آمده در پورتس مردگان برحاسه از گورهای ۱۴۰۰ ساله بر باد رفت و حاصل سالها مبارزه مردم که به بهای گزافی بدست آمده بود، پایمال شد. رژیم جمهوری اسلامی بقاب خود را کاملاً از چهره برگرفت و پنجه ها و دندانهایش را به نفاش گذارد. بهتر از این نمیتند رژیم شاه را آن پرونده سیاهش روسفید کرد.

اما در این دو سال حرکت آرام و ولی نامرئی، در عمق جامعه ادامه یافته، و اینک به نقطه ای رسیده ایم که برخی اثرات و بارتابهای بیرونی این حرکت را به روشنی بیشتری مشاهده کنیم، و ادعاهای رژیم جمهوری اسلامی را به وضوح ریسئوال ببریم. رژیم جمهوری اسلامی، در چه وضعی بسر می برد؟ آیا رژیمی که گوش فلک را با ادعاهای "وحدت کلمه" در مدعی کر کرده بوده، توانسته وحدت کلمه را حتی در میسار صفوف خود بوجود آورد؟ آیا پس از خروج "لیبرالها" از کابینه، رژیم یکپارچه شد؟ ...

پاسخها بروشنی منتهی است. تضادهای درونی رژیم از ابتدای استقرار آن، یعنی از زمان روی کار آمدن بارگان، همراه آن بوده اند، و هر روز تندتر از روز پیش بروز میکنند. پس از فرار بنی صدره رژیم وعده داد که مشکلات خاتمه یافته اند و "نقطه امام" قادر خواهد بود معضلات و مشکلات جامعه را حل و برطرف سازد. ولی پس از گذشت دو سال نه تنها رژیم جمهوری اسلامی یکپارچه و متحد نشده، بلکه دیگرها، نهادهای گروههای مختلف درون آن روز بروز بیشتر اوج میگیرند. ... مسکراتادی و هم با لگی هایش که مدتهاست بر وزارت بازرگانی، ... سببه و توزیع، بیاد مستضعفان، بیاد جنگزدگان، بیاد ۵۵ خرداد و سایر دکانهای چپا و لگزی بطور بلامنازع جنگ انداخته اند و حتی بحصا، صادرات و واردات برخی از کالاها را هم قبضه کرده، و از این راه منافع سرشاری به جیب زده اند، اکنون مورد اعتراض رقبای داخلی و بیگانه که یا سهم خود را می طلبند و یا در وقت خیزش قوهای بسر میبرند؛ و برای کابینه میرحسین موسوی ناتوان از حل اختلافات خود، سه نایار پاسخ بگذاشته از پشت تریبون مجلس میدهند. ...

خلاصه اینکه، چنان هرج و مرج بر رژیم حاکم است که هر کسی در کشوری بگردن جیب و کسب موقعیت، به خون آن دیگری تشنه است. مسائل و مشکلات اجتماعی نیز یکی پس از دیگری در مقابل رژیم ظاهر میشوند و در روند عاجز رژیم از حل آنها، به سایر معضلات لایحل اضافه می شود. مشکل مسکن در تهران بیداد می کند. و دپوه ها و اجاره بها به ارقام نجومی رسیده اند، و این در حالیست که یافتن مکانی برای اجاره، محلات بشماره رود، شورای عالی قضائی و اعضای هیئت وزیران هر روز یک نظر جدید در مورد مسکن میدهند، ولی از این طرف تخلیه ها ادامه دارد. مائیلین خانه ها اجه مالکین خصوصی و چه دادستانی "انقلاب" که مسئول منازل مسدود شده است، هر روز تعداد بیشتری را روانه حیا ناسها میکند. برخی دروسر نباشی و غیره به لیست کالاهای تجملی و مصرفی پیوسته اند. کمبود آرد و نان مشهود است و قیمت نان هم بالا میرود. سد کرد، برترس دوران خود را میگذراند، ولی آب محلات تهران هر روز قطع میشود. در اصفیه سارمان آب بول آب لوله کشی میگردد و در مقابل آب یاه برگنج و آهک تعمیر می دهد. برق هر روز قطع میشود و به شکر آنکه قطع آب و برق، قیمت هر دو بالا میرود. دولت برای سومین سال متوالی ارزش جویق ها را منفرع میکند. ...

بارضا نیما به ابعاد غیر قابل تصویری میرسد. مردم اصفیه در تظاهرات گسترده خود بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در روز ۷ بهر (روز سههار ۷۲ تن "مقامات) وحشت مضمینی در دل رهبران ایجاد میکنند. پیش از آن تظاهرات ضد جنگ در دزفول و اهواز بوقوع پیوسته است و پس از آن اخبار اعتراضات دیگر از گوشه و کنار به گوش میرسد. کارگران کارخانه ها بر علیه افزایش ساعات کار و کسر حقوق برای جنگ اعتراض می کند. کارگران آتش ملی اعصاب میکنند. دکه داران خیابان چراغ برق تهران شعار "مرگ بر این رژیم بیگانه ساز" را سر میدهند. تظاهرات حزب ایمنی هاد رسه راه آدری به حمایت از نطق میرحسین موسوی تبدیل به تظاهرات ضد رژیم با شعار "مرگ بر خمینی" میگردد. ...

لیکن امروز با چه پیش از پیش مراتب بود. امروز نیز سطحت طلبان و جنایتکاران چون امینی و بختیار که اکنون بر چنداران مالیات متعاری ظلم و ستم شاهنشاهی بر حکومتان ایران شده اند، در کمینند. ایان در حالی که تا چندین قبل چنان "دموکرات" شده بودند که پذیرش سطحت را مکتول به مردم میکردند، اکنون به لطف جنایات رژیم اسلامی حرات می یابند که خواستار استقرار مجدد سطحت، خانواده جنایتکار و غارتگر صیولی در ایران شوند. جدا از اینها گروههایی هم وجود دارند که گرچه پس از مدتها حمایت از رژیم جمهوری اسلامی به مخالفت با آن برخاسته اند، ولی هنوز حاضر به نقیضین دین و سیاست نیستند و انواع رنگی از حکومت اسلامی و یادگیر رژیمهای همسایه داری را وعده میدهند.

امروز روزیست که از نوحه بیات تلخ گذشته می آموزیم. دیگر نامدا حازه و اصفیه و با انحراف را به این و آن داد. از هم اکنون باید راه را بر هرگونه سرسوزی

ادامه مقاله "ریشه ..."

بی شک اعتقادشان بر آن است که با درهم کردن مناسبات اجتماعی موجود و جانشین کردن مناسبات اجتماعی سوسیالیستی بجای آن، طبقه کارگر خواهد توانست بر تمامی مشکلات موجود علیه و آزادی واقعی را در سطح کشوردهای در جامعه مستقر کند.

و این تولیدی سوسیالیستی با تدریج و تدریج تولید و تولیدات خاص خود را در بر میآورد، توزیع و مصرف به سوا خواهد آورد. جامعه سوسیالیستی اولین گام را در جهت تغییر شکل مالکیت بر ابزار تولید بر میآورد، سلب مالکیت از سرمایه داران و انتقال آن به کارگران، حاکمیت کارگران بر ابزارهای تولید و میزان تولید را تعیین خواهد نمود. سپس تمامی دستگاههای تولیدی، در یک هم آمیخته میگردند و تدریجاً تولیداتشان را بر اساس نیازهای ضروری و معیشت جامعه انجام خواهند داد. چراکه تولید افزون بر نیازهای بازار را در خصوصیات نظام سرمایه داری میباشند و همین شکل تولید است که باعث میشود تا کارخانه ها به تدریج گشاده شود و یکبارگی روندی را از برای کارگران موجب شود.

در جامعه سوسیالیستی، مناسبات مالکیت کارگران بر ابزارهای تولید و میزان تولید، محصولات تولید شده از گونه کالای خودمیراث خواهد آمد و نیروی کارگر هم در برابر با تولید کالا مورد معامله قرار نخواهد گرفت، بلکه جامعه سوسیالیستی برای رشد و تکامل خود تا رسیدن به جامعه کمونیستی، بر اساس قانون هرکس به اندازه توان و مقدار کارش سهم خواهد برد، حرکت میکند.

این شکل توزیع تقسیم ثروت های تولید شده، بی شک رشد و تکامل جامعه را سبب خواهد کرد، چراکه احساس این مسئله در بین کارگران که کارمان متعلق به خودمان است، برکوشش آنها در

ادامه مقاله "سنگر ..."

بی نشانی اعلامیه و تراکت از کلاسهای طبقه آذربایجان هیاطه دوچه، ج. امشای نام جا میمان اینجین املاهی از طریق نوشتن اصالی آقان روی دیوارها، ... مسئله های محاربت دانش آموزی باید بگویند مطالباتشان را چنان گانالیزه کنند که در هر نوعی ممکن اعتراضات دانش آموزان را سازمان بندی و جهت دار کنند. تدریجی نیست، دانش آموزان استقلال که با شرکت در مبارزه علیه رژیم سلطنتی، به جنبش خود ها توانستند و تحرک دو چندان بنشینند، اینبار نیز نقش مهمی در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایفا خواهد کرد.

ادامه اعلامیه

استقامت از جنبش مردم و مصرف کردن آن جهت انجام این کار تنها از طریق شرکت کارگران و سایر زحمتکشان جامعه در مبارزه به خالصت و بی غرضی است. در صورتیکه جهت گیری برای سرنگونی کامل نظام سرمایه داری

چندان خواهد افزود.

در جامعه سوسیالیستی دیگر رشد و تکامل تکنولوژی مامصل بیگاری و فقر نخواهد بود، بلکه قانونمندیهای جامعه سوسیالیستی در آن جهت حرکت میکند تا تکلیف برتری را نسبت به گذشته وارر کارخانه ها کند. وجود تکلیف برتر در کارخانه ها و تولید بر اساس نیازهای ضروری جامعه باعث کوتا عمر شدن ساعات کار حسابی در کارخانه ها، آزادی بیشتر را برای انسانهای جامعه سوسیالیستی فراهم خواهد آورد، تا در حدال با طبیعت بتوانند استفاده و حلافت های خود را بکار ببندند.

جامعه سوسیالیستی علاوه بر این بردن تضاد کار حسابی و فکری، در پی از بین بردن تضاد بین روستاها و شهرها هم حرکت میکند. در جامعه سوسیالیستی دیگر روستاها بخاطر عقب افتادگی تکنیکی و فرهنگی، کوهلی ده ده شهرها نیستند، بلکه این امکاناتی که از هر حیث در شهر وجود دارد، در روستاها هم وجود خواهد داشت تا بتوان یک شکل زندگی هم سطح در شهر و روستاها مستقر کرد.

بر پایه حقوق جامعه سوسیالیستی ضرورتی ندارد که بلکه هدف رسیدن به جامعه کمونیستی است. جامعه ای عاری از هرگونه تبعیضهای طبقاتی و استیلائی انسان بر انسان، جامعه ای آزاد و بی طبقه، جامعه ای که هرکس به اندازه توان و نیازش، ثروت های جامعه سهم برد.

با پایید به برپا شدن چنین جامعه ای، نگرشیم تا مباحث موجود را با انقلاب بمان از سر راه برداریم.

مکن است ... شیوه های مبارزه در این راه نفس همی، بیامی کنند. در آنچه باید شیوه ها بن راه مردم بدون نیاز به امکانات فوق العاده می تواند بکار گیرد، پیشنها کرد. ستار نویسی، با مان یک واسپری، نوشتن عبارات کوتاه در مخالفت با رژیم روی برجسب و نصب آنها در اطراف عمومی، تکثیر دست نویس اعلامیه ها و تراکتها و پخش یا چسبیدن آنها در محلات و معین، تنها چند نمونه ساده و عملی از این موارد بشمار میرود. ار هم اکنون باید نوشتیم تا به هنگام وقوع واقعه از آن عقب نمانیم. گمراهان، عوامل فریبان و تسبیان، صحیحون خمینی در انقلاب بهمن، در کین نشسته اند.

رفقا، کارگران، زحمتکشان! باید که برخیزیم!

- سرنگونی باد رژیم جمهوری اسلامی!
- ناجود باد دیکتاتوری ارتجاع و سرمایه!
- زند و بسا آزادی - زنده باد سوسیالیسم!

سازمان وحدت کمونیستی

# ادبیات مقاومت

## شعری که چشمش دنبال فرداست

تسبیہ ، استعاره ، تشبیل  
و تفاریقی این چنین هدی سخنم نیست  
شمر من شکله ای است  
که در ظہری داغ  
تسبیہ ای از آن آب معرفت می نوشد  
یا یک شتاری است که در کوچہ ای دور  
رہای همسایہ سرنوبت بردیک آن  
سہم می برد  
یا کراواتی است برگردن کارمند بانک صادرات  
سی و یک ہر داد یا مرداد  
بردیک صندوق حسابد ارکم مو

☆☆☆☆

من فکر میکنم  
گاہ ارعزل ، قصیدہ باید نالشی ساخت  
تا ز بر سر شاگرد نابوائی بربری بگذاریم  
کہ خیال می کند نالشی یعنی مقوا  
آنگاہ در وصف آن نالشی چیری گفت  
کہ بہ عزل است وہ قصیدہ  
زندگی است

☆☆☆☆

زندگی خود شعر بلند ی است .  
ا متداد شعر دررد ناک تولد تا شعر سوزناک مرگ  
و میان این دو شعر خود زندگی .

من ورن عروسی شعر فارسی را نخواندہ ام  
یعنی خواندہ ام بشمیدہ ام  
و اگر بشمیدہ ام بشپودہ یا فتنہ ام  
من اما تر چربی سقف خانه کبری

یا بی سقفی حسن را بخواندہ بشمیدہ ام

☆☆☆☆

من پای چنگ خیام از پس ایام شسته ام  
من اما دردی ماہ سیب زمینی را با گرمای آتش  
بر سر کویچہ امان پیوند زدہ ام  
و گرمای سرد را با ہم چشیدہ ام

☆☆☆☆

عشق بیژن بہ منیزہ قشنگ است  
لیلی محزون را خیلی دوست داشت  
انفلو در مورد دزد مونا اشتباه کرد .  
من اما دلم برای همین می سورد  
کہ سحبت دلباختہ زہراست و او مجلس نمیلد ارد  
چون صورتش سالک بد خووری دارد  
کاش اقلًا فیضی داشت

☆☆☆☆

گاہ می خواهم ورن را بر بالہ کنم  
تا خوبش بصورت کارگرمی بیاسند  
چہرہ ای را گلگون کند

☆☆☆☆

شمر من دوست دارد بیشتر ارگرسنگی چیب بر شود  
تا پاسبا بی کہ ہم جنس هایش را دناں میکند  
بیشتر از آن دلش می خواہد پلی شود  
سوی دیای بی چیب بر بی یاسان

☆☆☆☆

غروب چیر ترفیفی است  
اما غروب خوردن با غروب درواہ عاریک معنی نمید هد  
غروبها را باید جدا جدا تعریف کرد  
باید در وصف یل چیر نوشت  
باید از کلام یتک ساخت



زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

نرسد هر کسی بلو نیم که می گوید حلايق هرچه لایق

★★★★

من لحد میگیرم سانی که شعر عثمري را حفظ می کند

و برمی دهد

شعر نباید روی آنها راهم کم کند

★★★★

شعر من آبرو دارد

سه همه لباس فرزند

و همه لها یک ایستگاه سازد

سنگاه خوشحالی

شعر من دوست دارد

(۱) = عثمري، شاعر ارتعاعي دربار سلطان محمود غزنوي که در وصف  
واشعار بر او وارد

روزی از لب انصاهای صفار نمود حوده شور

انصاهای که از لب بگد پیر سخن می گوید

★★★★

تقرص شاید در خون عوطه محورد

شاید سر را میبرد

شاید از غریب دلش بگیرد

با این همه چشمش دنبال فرداست

بخا طرایس هی داد میرسد

فنی خواهد شعرم را صد اکید

فنی خواهد ا

بهر زبان که می خواهید

فردا را فریاد کنید

ف. افق

## نامه رحمان به رباب

سد فی تنگه از بلوط هفت ساله است

در هوایه می کارمش

در قصر شیرین گل می دهد

گد به بکن رباب ا

رباب سینه ریزی از پوکه فشنگ خواهم آورد.

ستارگان شب سو سگرده

شبه ستارگان شب اردو گاست.

گریه بکن رباب!

من بر می گردم

شلوایم را وصله کن و برای دخترمان

یک حفت کفش تازه بخر.

## نامه رباب به رحمان

پینه دستان من از بغص هزار ساله است

هم سرم!

در کار نان و هراس می میرم و ا شوق رجعت صلح

زنده می شوم.

نگران نباش... رحمان

من سینه ریزی از پوکه فشنگ می خواهم

اینجا

هزار گلوله در سینه یک اسان می شبند

و هزار انسان بخاطر لقمه نانی می میرند

ش. شهاب

# برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشانشان،

## انقلابی دیگر باید

ادامه مقاله "سنگر..."

هکلاسی های شما بجرم دفاع از انقلاب، بدست دشمنان  
 حاکم اعصاب شده اند و یا بدلیل سیاست پلیر ویند کارگران رژیم  
 با چار از امکان تحصیل و زندگی عینی محروم گردیده اند و جایشان  
 در کلاسها خالی است. شما همین شاهدید آن دسته از معلمان  
 کمونیست و آگاهی که در سالهای اول پس از قیام هجدهمین ماه  
 و رس انقلاب و آزادی می آموختند، بواسطه همان سیاست  
 سرکوب که فوقاً اشاره کردیم، جایشان در مدارس خالی است و  
 در معرض شکنجه و بیهودگی با عنوان مسئولان امور تربیتی و انجمن  
 اسلامی مدارس یا جو لاقا و عرصه یک تازیه های ضد فرهنگی خود  
 کرده اند. البته همانگونه که خود می دانید، امروزه فقط در مدارس  
 پس بلکه همچنین در کلیه سطوح جامعه ما، فضای ظلمت و عقابان  
 حاکم گردیده است. رژیم می که سالگردده اش بر نیا آگاه نهداشتن  
 توده ها و اعمال دیکتاتوری برای حفظ منافع بورژوازی و امپری-  
 یالیسم جهانی استوار باشد می کوشد تا در هر کجا که امکان برور  
 طعیان یافت شود، سیاست سرکوب همه جانبه را با تمام قوا اعمال  
 نماید. دقیقاً به همین علت است که می بینید امروز هم با نهایی  
 سبزه ها و حالت حکومت نظامی بخود گرفته و مزدوران برای سر-  
 کوب هرگونه تظاهرات یا حرکت اعتراضی در آماده باش کامل بصر  
 می برند.

### حوانان دانش آموز!

آیا آینده ای که در برابر شما قرار دارد، آینده ای تیره و تار  
 نیست؟ راستی دانش آموزی که در رژیم جمهوری اسلامی موق  
 به اند دیلم گردد، چه مسیر روشنی را فراروی خود خواهد یافت؟  
 امروز دیگر برهنگان آشکار گردیده است که دانش آموزان آگاه و  
 مستعد، جایی در دانشگاه های کشور ندارند و در واقع بخشی  
 عمده ای از سرمایه دانشگاه به واجبهنگان مزدور رژیم اختصاص  
 یافته است. از سوی دیگر، با معیارهایی که در تفتیش معایب  
 د اوطنین ورود به دانشگاه مدنظر قرار می گیرد، هرکس که ذره ای  
 با نظام حاکم در تضاد باشد، از حق تحصیل در دانشگاه محروم خواهد  
 شد. پس بی جهت نیست که دانش آموزانی که دوره دبیرستان را  
 نه با یان می رسانند، اغلب بر این حقیقت واقفند که باید در فکر  
 پیدا کردن کار و امرار معاش باشند زیرا آنچه سزهای جوراجور  
 ( نظیر کنکورهای چند مرحله ای، آزمونهای ابدتولوژیک، تحقیقات  
 علمی، ... ) به آنان امکان بر خورداری از تحصیلات عالی را  
 نخواهد داد.

اما واقعیت این است که پیدا کردن کار نیز خود دشواری بزرگی  
 است زیرا به یمن خیانت های رژیم سرمایه ولری و سرکوبگر جمهوری  
 اسلامی، هم اکنون چند میلیون بیگانه در کشور ماباقت می شوند  
 و از اینهم گذشته، اساساً مگر فوایدی که سردمداران رژیم برای  
 استخدام مقرر کرده اند، اجازه می دهند تا جوانان بتوانند قبل  
 از سرپا زنی و هلاکت در جبهه های جنگ دولتیین ضد مردمی ابراً  
 و عراقی کاری برای خود دست و پا کنند؟ رژیم می که پهای خود را  
 در جنگ و جبران تضییع می کند، برای حفظ حیات جنایتبار خود  
 چنان قواهایی را به اجرا گذاشته است که هر دانش آموزی را -  
 فاصله پس از اتمام تحصیل یا حتی قبل از اخذ دیلم و اوار شود  
 در جنگی شرکت کند که شرف آن چیزی جز ویرانی، گرابی و فقر و  
 بیکاری برای نودمهای زهکشش در کشور ایران و عراق نبوده است.  
 چهاره رسانی از این وضع خفقان آور، تنها راه دستیابی به امکان  
 واقعی تحصیل در دانشگاهها و بالاخره تنها راه گریز از آینده تیره و  
 تاری که ایست در برابر دانش آموزان قرار دارد، شرکت هر چه فائز  
 در مبارزه برای آزادی بهتر است. کمونیستهای گویند محیط مدارس  
 باید مصیبتی آزاد باشد بگونه ای که اندیشه های سیاسی حق اظهار وجود  
 داشته باشد و در یک کلام، امکان فعالیت سیاسی در مدارس تا این  
 باشد. کمونیستهای گویند هیچ دانش آموزی را نباید بقت نظرات و  
 عقاید انقلابییش از حق تحصیل محروم کرد و کمونیستها همین می-  
 گویند، ورود به دانشگاه هم باید برای توده های وسیع دانش آموز  
 ممکن و آزاد باشد. اما همه اینها میسر نیست، مگر در صورت بستمرد  
 نبرد ی پیگیر و هدفمند در جهت نابودی نظام سرمایه داری و پی ریز  
 قتل یوزین؟ قتل معنی برآزادی و رهایی از بوج سرمایه دانش-  
 آموزان می تواند و باید همچون گذشته بکوشند تا سبترمدان را  
 فعال کنند و مبارزات خود را با مبارزه طبقه کارگر و توده های زهکش  
 پیوند زنند. البته، کارگران سرکوبگر رژیم که بخوبی از بقا منیل  
 انقلابی دانش آموزان آگاهند، به انواع و اقسام تدابیر ضد انقلابی  
 توسل جسته اند و خواصد جمعیت تا از پائیری و گسترش مبارزات دانش-  
 آموزی جلوگیری می کنند. اما چنانچه دانش آموزان کمونیست و آگاه هر  
 مدرسه، با تشکیل هسته های مقاومت بتوانند بطور مستمر و منظم  
 اقدامات مبارزاتی را به پیش برند، قطعاً تضییعات مزدوران به شکست  
 خواهد انجامید.

در این مسیر، هسته های مقاومت دانش آموزی می توانند  
 فعالیت های خود را با شیوه های ساده ای از این قبیل آغاز کنند: انشا  
 شمار نویسی در راهروها، توالها و هر جایی که امکان آن وجود دارد

ببینید

# اخباری از جنبش

## زندان اوین

● طبق اطلاع ، حلا در آن زندان اوین در اوایل شهریور ماه ، ۵۰۰ تن از ریدایان سیاسی را اعدام کردند . در حین اعدامی این ۵۰۰ تن را که در میان آنها نام حسین روحانی نیز به چشم می خورد ، در مصوبه اطراف شکنجه گاه اوین نصب کرده اند . گفته می شود ، اعدام شدگان عمدتاً از اعضا و هواداران سازمان پیکار بودند

## سردشت

● صبح روز ششم مهرماه جاری ، چند دسته از پیشمرگان کومه له ، در اطراف پایگاه دارساون واقع در جاده بانه - سردشت به کیم مزدوران نشستند . حدود ساعت ۸ صبح ، تعدادی از سرکوبگران راسته به رژیم که وظیفه "تامین" جاده را بر عهده دارند از پایگاه خارج شدند و سعی مکن استقرار خود حرکت کردند که در بین راه از سرسره مورد تهاجم پیشمرگان قرار گرفتند . در همین حال ، گروه دیگری از پیشمرگان ، به پایگاه دارساون حمله بردند . در همین حال ، مزدوران دیگری که در فاصله دورتری از محل درگیری قرار داشتند و شاهد حمله پیشمرگان بودند ، مشخصاً به به پایگاههای اطراف فرار کردند . نتیجه این تهاجم انقلابی کلیه مزدوران به اصطلاح تامیسی جاده که به کیم پیشمرگان افتاده بودند ، کشته یا زخمی شدند .

## سریوان

● بعد از ظهر روز دوم مهرماه جاری ، یک دسته از پیشمرگان کومه له طی کمی در اطراف شهر سریوان ، یک خودرو و سرکوبگران حلق کرد را به دام انداخته و اهر سه سو بروی آن آتش می کشانیدند . در اثر این درگیری ، ۱۲ تن از مزدوران سرشمن خود رو به هلاکت رسیدند . همچنین ۱۳ تن دیگر از مزدوران که قصد فرار داشتند در برخورد با گروهی دیگر از پیشمرگان به هلاکت رسیدند . در میان کشته شدگان محمد یاسداری بنام فروغی وجود دارد که درمانده می به پایگاه رژیم (بی به کاره ، دری ، چور) راهبده داشت . پیشمرگان بی ار به محبت گوفنی سلاح و مهمات مزدوران و به آتش کشیدن خود - رو - ها ، سالم به مناطق استقرار خود بازگشتند

● در اوایل مهرماه جاری گروهی از پیشمرگان کومه له ، تله انفجاری ای را در جاده نظامی تینال - جان وره کار گذاشتند . این تله انفجاری روز چهارم مهرماه جاری و هنگامی که یک خودرو و نیروهای سرکوبگری رژیم که حامل ۱۵ تن بود از روی آن عبور کردند منفجر گردید . نتیجتاً ، تمامی مزدوران به هلاکت رسیدند و خودرو ویرانگی مسند گردید . یکی از کشته شدگان ، علی پین نام دارد که از جمله فراماندها سپاه پاسداریان سرمایه در منطقه سریوان بود

## گوهردشت گرج

● در اوایل شهریورماه ، روزی نامه کیمهان در مصفاه "حوادث" خود خبر داد که جوان ۲۴ ساله ای بی سر در بدن یک دختر ۱۳ ساله و تجاوز به وی او را به قتل رسانده و جسدش را در بیابان رهای کند ، اما پس از چند روز بعد بحال کشف جسد دخترک ، جنایت او برملا می شود . اخیراً بیروری نامه کیمهان خبر داد که جوان مذکور در مقابل اهالی محل زندگی خود به در آویخته شد و اقصیت این است که قاتل یکی از پاسداران جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی بوده است و پس از دستگیری وی ، با توجه به مورد مشابهی که در ارتباط با یک دختر ۱۵ ساله همان محل سال گذشته رخ داده بود ، اهالی محل فرامان معازت این منصرف نگردیدند . ماقبت کارگزاران رژیم با توجه به بر ملا شدن جنایات پاسدار مذکور ، مجبور می شوند به اعدام وی تن در دهند . در همین ارتباط ، روز ۲۹ شهریورماه ، جمعیت کثیری از مردم خشنگین دست به تظاهرات اعتراضی علیه مزدوران رژیم زدند و ضمن راهپیمایی ، شعار "مرگ بر پاسدار" سردادند گفته می شود که تظاهر کنندگان قصد به آتش کشیدن خانه این پاسدار جنایتکار را داشتند ضمناً لازم به تذکر است که بواسطه هشتم فراوان تظاهر کنندگان و نیز به این علت که عده زیادی ، تظاهرات شرکت کرده بودند ، کمیته جی حاوی پاسداریان سرمایه مرفق نگردید جمعیت را از تظاهرات بازدارند .